

ترجمه عربی کتاب

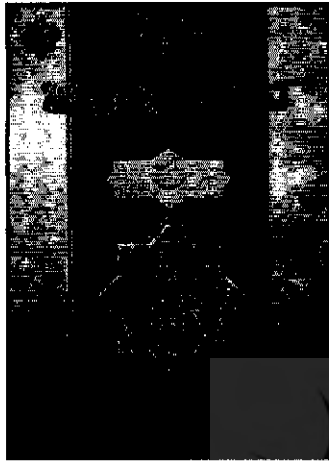
«تنبيه الامة و تنزيه الملة»؛

ضرورتها و اهداف

عبدالحسن آل نجف (بهبهانی پور)

اشاره

مقاله حاضر با ذکر اهمیت و ویژگی‌های کتاب پراچ «تنبيه الامة و تنزيه الملة» مرحوم نائینی، به نقد ترجمه عربی آن می‌پردازد که حدود شصت سال پیش، به وسیله صالح الجعفری در مجله لبنانی «العرفان» به چاپ رسیده بود. این نقد انجام ترجمه‌ای دیگر را ضروری می‌سازد. نویسنده این مقاله، خود به این امر مهم اقدام کرده و ترجمه‌ای جدید از آن اثر را در اختیار پژوهش‌گران و علاقه‌مندان به عرصه فکر و اندیشه، قرار داده است.



۱۳۴

از این رو، کتاب *تنبیه‌الامة* میراث مهم فکری و اصیل اسلامی است که توانایی بالای اندیشه اسلامی در برخورد و حل مسایل و مشکلات جوامع بشری را در هر زمان و مکان به نمایش می‌گذارد و نیروی بالا و نهفته در مکتب اسلام را برای رشد و بالندگی به اثبات می‌رساند. این اثر آشکارا این مسأله را مبرهن می‌سازد که مقولاتی، مانند تجدد و مبارزه برای اصلاح شرایط در حیات مسلمانان، مقوله‌هایی بی‌مسمی و عارضی نیستند. این‌گونه نیست که مسلمانان تحت تأثیر جریان‌های کمونیستی و سوسیالیستی خوامته باشند بدعت‌گذاری کرده و جریان‌های سیاسی،

کتاب *«تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة»* بی‌شک از ارزش‌مندترین میراث علمی و فکری دانشمندان مسلمان سده‌های اخیر محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت که این اثر، نخستین تألیف مستقل شیعه در زمینه *«فقه سیاسی اسلام»* می‌باشد. از طرفی می‌توان آن را مانیفست (منشور) حرکت مبارزاتی شیعه در تاریخ معاصر و نقطه عطف در روند تکاملی جامعه سیاسی شیعه نامید.

برای بیان بهتر اهمیت این کتاب و ضرورتی که ما را مجاب کرده تا به ترجمه آن اقدام کنیم، باید به شکل ملموس‌تری در این باره سخن بگوییم.

۱. ویژگی‌های مهم کتاب *«تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة»*

به طور کلی می‌توان به چهار ویژگی اساسی این اثر اشاره کرد که عبارتند از:

۱-۱. اصالت: بی‌شک اصالت داشتن در تفکر، نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات علمی و تمدنی امت‌ها ایفا می‌کند. اساساً نمود بارز اصالت یک امت، اهتمام وافر به سنت و میراث فکری و فرهنگی خود می‌باشد.

اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. ناگفته نماند که مؤلف در چند مورد، بررسی بیشتر مسایل مورد بحث را به آینده موکول کرده است و این نشان می‌دهد که ایشان در صدد تألیف یک اثر دیگر و چه بسا گسترده‌تر از کتاب تنبیه‌الامة بوده است.

۱-۳. **تاریخی:** این کتاب یک سند تاریخی، پیرامون وضعیت اندیشه و سیاست در آن زمان شمرده می‌شود و مورخ می‌تواند با استناد به محتواهای آن و بحث‌ها و گفت‌وگوهای مطرح در آن زمان، درباره جنبش مشروطه و اظهارهای موافقان و مخالفان آگاهی یابد و در کار تدوین تاریخ اندیشه سیاسی اسلام و ثبت شرایط و وضعیت آن برهه، از این کتاب کمک بگیرد. هم‌چنین این کتاب سیمای کلی از حکومت استبدادی ایران و عوامل تشکیل دهنده آن به دست می‌دهد.

۱-۴. **سیاسی:** کتاب حاضر، خیزش اسلامی در عصر کنونی را دارای پشتوانه می‌داند و عمق تاریخی برای آن ترسیم می‌کند. به عبارت دیگر به نهضت اسلامی کنونی سندیت می‌دهد و آن را به عنوان نهضتی ریشه‌دار مطرح می‌نماید.

اجتماعی و فکری را با ایده‌های جدید و انقلابی راه‌اندازی کنند؛ بلکه سرفصل‌هایی اند می‌باشند که ریشه در تاریخ و میراث فکری آنان دارد و دارای اصالت است.

۱-۲. **فقه سیاسی:** به طور حتم این اثر از نخستین آثار شیعی در فقه سیاسی اسلام در دوران معاصر به شمار می‌رود؛ البته بدان معنا نیست که فقهای امامیه پیش از آن در بحوث فقهی خود، هیچ مسأله سیاسی را مطرح نکرده‌اند. اصولاً فقه به یک معنا پرداختن به واقعیت‌های اجتماعی است و حتی مسایل عبادی، فردی و معنوی آن به گونه‌ای با اجتماع و سیاست در ارتباط می‌باشد. منظور ما این است که پیش از کتاب «تنبیه‌الامة» اثر خاص و مستقلی در فقه سیاسی از زمان پیدایش فقه امامیه در قرن سوم هجری کمتر دیده شده است. آنچه در تصانیف فقهی شیعه تا زمان انتشار این کتاب، بیشتر به چشم می‌خورد، چیزی بیش از بررسی فقهی برخی مسایل سیاسی آن هم به طور ضمنی و استطرادی - نه به طور مستقل و مستوفای - نیست؛ از این رو کتاب مذکور با وجود حجم کم آن،

مکان گشوده شود تا بدین سبب، جاودانگی و طراوت اسلام همواره حفظ شود.

مرحوم نائینی دربارهٔ بدعت دانستن تدوین قانون اساسی و اشکال‌های دیگر با روشن‌بینی و تکیه بر روش اجتهادی پویا پاسخ گفتند. به راستی، اگر تدوین قانون اساسی بدعت باشد، پس چرا فقهای اسلام رساله‌های عملیه برای تعیین تکلیف مرد مسلمان در زندگی شخصی خود می‌پردازند؟ اگر نوشتن رساله عملیه برای جامعه بدعت باشد، چرا نوشتن آن برای افراد بدعت نیست؟

از سوی دیگر این کتاب، گفتمان استبداد و آزادی را در تفکر اسلامی به تصویر می‌کشد. سکولارها عموماً بر این نکته تأکید دارند که تفکر دینی و حکومت دینی به طور طبیعی استبدادی است؛ چرا که این تفکر و نوع حکومت، پیوسته خود را نماینده حاکمیت خدا بر روی زمین می‌داند و از آن‌جایی که زمین در چارچوب دین، نمی‌تواند خود را از سلطهٔ خدا برهاند؛ پس یک فرد در حکومت دینی نیز نمی‌تواند خارج از چهارچوبی بیندیشد یا

۱.۵. گفت‌وگوی به دور از تعصب؛ از سوی دیگر این اثر، چشم‌اندازی زیبا از گفت‌وگوهای علمی مطرح شده در آن زمان ترسیم، و اهمیت و ضرورت گفت‌وگوی سازنده را گوشزد می‌کند و این‌که گفت‌وگوی علمی و به دور از تعصب، از مشخصه‌های جامعهٔ اسلامی بوده و باید باشد. از مسایل مطرح شده در این گفت‌وگوها عبارتند از: سنت و تجدد، اصالت و اجتهاد و آزادی و استبداد. روشن است که چنین مسایلی با گذشت بیش از پنجاه سال، هنوز هم در محافل علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. مدعیان اصالت و آنان که به سنت دلبستگی دارند، به حق نسبت به جریان تجدد با دیده شک و بدبینی می‌نگرند و می‌ترسند که مبدا تجدد، موجب از بین رفتن اصل دین و دیانت گردد. مدعیان اصالت در انقلاب مشروطیت، جریان تدوین قانون اساسی را یک بدعت دانستند و در مقابل، تجددگرایان ادعا دارند که دوام و استمرار اصل دین به این وابسته است که در هر زمان، افتخارهای تازه‌ای در عرصهٔ تفکر اسلامی متناسب با مقتضیات زمان و

سخن، کردار و تقریر ایشان از منابع تشریح در اسلام قرار داده شده است.

۲. نخستین ترجمه عربی تنبیه الامه و نارسایی های آن

با توجه به آنچه ذکر شد، ترجمه این اثر گران سنگ به زبان عربی در اولویت کاری قرار گرفت. قابل ذکر است که نخستین بار، ادیب و مورخ معروف عراقی، آقای جعفر الخلیلی به این کار همت گمارد که ظاهراً در همان اوایل با ممانعت های آقای نایینی رحمته الله، این کوشش به سرانجام نرسید. سپس آقای صالح الجعفری در مجله لبنانی «العرفان» به طور مسلسل، طی شماره هایی در سال های ۱۹۳۰-۱۹۳۱ میلادی با عنوان «الاستبداد و الديمقراطية» اقدام به ترجمه آن نمود.

انتشار ترجمه عربی، هیاهوی بسیاری به همراه داشت و برای ممانعت از ادامه ترجمه و انتشار آن تلاش فراوانی صورت گرفت ولی مترجم (آقای الجعفری) علی رغم همه فشارها و ممانعت ها، آن را در مجله العرفان ادامه داد.

بی شک مترجم، خدمتی شایان انجام

کار کند که دین برای او مشخص کرده است. حال آنکه اساساً حاکمیت خدا بر روی زمین در حاکم دینی جلوه گر نمی شود؛ بلکه در خود دین متبلور می گردد. این دین است که به صورت عقیده و شریعت بر سرنوشت انسان حاکم می باشد، نه حاکم دینی. حاکم دینی انسانی است مانند دیگر انسان ها؛ اگرچه آن حاکم دینی، پیامبر بزرگ اسلام باشد؛ از این رو قرآن کریم درباره آن حضرت چنین می فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ؛ و اگر می بست بر ما پاره سخنان را هر آینه می گرفتیم از او به دست راست و سپس می بریدیم از او رگ گردن را.»

در اسلام جایی برای استبداد حاکم دینی به عنوان حاکم دینی وجود ندارد. درباره صلاحیت و اختیاراتی که اسلام به پیامبر گرامی و امامان داده، باید گفت این صلاحیت ها و اختیارات به لحاظ پیامبری و امام بودن به ایشان عطا شده است و این که این ذات های مقدس، تجسم حقیقت دین در بعد اجتماعی آن می باشند و نه به خاطر حاکم بودن ایشان. از این جهت؛

فکری اسلامی و گرفتار آمدن در اصطلاح‌ها و مفاهیم غربی عنوان کردند. در صورتی که اگر خواننده گرامی به اصل فارسی کتاب رجوع کند، یک بار هم با واژه دموکراسی مواجه نمی‌شود. منشأ این همه جدال و مناقشه فکری، همان ترجمه اشتباه بوده که گویا مترجم بر اشتباه خود پافشاری داشته است و از این رو فصل‌های کتاب را با عنوان «الاستبداد و ال‌دیمقراطیه» منتشر ساخت.

این که چرا آقای الجعفری به این اشتباه مرتکب شده، سؤالی است که به راحتی نمی‌توان به آن پاسخ داد. شاید بتوان گفت که گرایش‌های فکری و سیاسی مترجم در انتخاب عنوان «الاستبداد و ال‌دیمقراطیه» برای کتاب بی‌تأثیر نباشد با این‌که عنوان اصلی آن کاملاً عربی است. لفظ مشروطیت، بار معنایی واژه دموکراسی را ندارد. کلمه مشروطیت در وهله اول به معنای تقیید شدن، شرط پذیرفتن، وجوب تقیید کردن اراده حاکم و کاستن از اختیارات و صلاحیت‌های او برای از بین بردن آثار استبداد و ظلم به کار می‌رود و در کل، معنای سلبی دارد و نه اثباتی در حالی

داده است که قابل تقدیر و تشکر می‌باشد و اساساً هدف اولیه ما این بود که ترجمه ناتمام آقای صالح الجعفری را تکمیل کنیم؛ ولی با مطالعه آن ترجمه، موارد ضعف و خطاهای بسیاری در آن مشاهده کردیم که عملاً می‌توان گفت ترجمه عربی تنبیه‌الامة، نسخه تحریف شده و ناقص فارسی آن است.

برای این‌که خواننده گرامی بر موارد غلط و اشتباه‌های فاحش آن ترجمه آگاه گردد، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مترجم اصطلاح «مشروطه» را در همه موارد به «ال‌دیمقراطیه» (دموکراسی) ترجمه کرده است و حال آن‌که هیچ‌گاه واژه «مشروطه» به چنین معنایی - دموکراسی - بکار نمی‌رود. این ترجمه اشتباه، باعث اوج‌گیری بحث‌هایی در میان فعالان اسلامی شد. برخی ادعا کردند که به کارگیری اصطلاح «دموکراسی» از طرف آقای «نایینی»، نشانه این است که اسلام نسبت به این مقوله، نظر مثبتی دارد. در مقابل، مدعیان اصالت در تفکر اسلامی به آقای نایینی اشکال کردند و به کارگیری آن را نوعی دور شدن از اصالت و هویت

آنان در تعیین سرنوشت خود و نکته‌هایی دیگر از این قبیل، به این نوع ترجمه اقدام کرده باشد.

۲. در برخی موارد، مترجم عبارت فارسی را خوب متوجه نشده و خلاف معنای مقصود نویسنده ترجمه کرده است. به‌طور مثال، مترجم در مقدمه کتاب از قول مؤلف چنین می‌آورد:

«وإن امکن نادراً وجود حکومت سلطانها هو کأنو شیروان... و حاشیه امثال اُبی ذر...» وقتی به اصل کتاب مراجعه می‌کنیم، اصلاً نامی از ابوذر [غفاری] نیست؛ بلکه نام «بوذر جمهر» یا همان «بزرگمهر» مشاهده می‌شود؛ همان حکیم معروف ایرانی که طبق متون تاریخی، انوشیروان پادشاه ساسانی ایران او را به عنوان مشاور خویش برگزیده بود.

از موارد، اشتباه در فصل چهارم این است که آقای نایینی به مخالفان مشروطه حمله می‌کند و آن‌ها را به استفاده از نیرنگ برای رسیدن به هواهای نفسانی خود متهم می‌سازد. مؤلف در ادامه چنین آورده است: «ما ظالم پرستان در هدم این اساس سعادت، فنون و حیل و تزویراتی را که

که واژه دموکراسی در اصل، معنای اثباتی - حکومت مردم - دارد. آنچه که احتمال یاد شده - دخالت‌گرایی فکری و سیاسی مترجم - را در ترجمه لفظ مشروطه تقویت می‌کند، همزمانی جریان مشروطه‌خواهی در ایران با یک جریان مشروطه‌خواهی ترکیه بوده - که شاید از نظر زمانی بر مشروطه‌خواهی در ایران تقدم داشته است - و این جریان مشروطه‌خواهی ترکیه در کتاب‌های عربی به «الحركة الدستورية» یاد شده است. ترجمه کتاب تنبیه الامة، همزمان با اصطلاح «الدستور» به معنای قانون اساسی و اصطلاح «الحركة الدستورية» در ادبیات سیاسی و فکری جهان عرب بود و بعید به نظر می‌رسد که از ذهن آقای صالح الجعفری دور بوده باشد. به ویژه آن‌که در آثار و نوشته‌های ادبی آن دوران، نام وی را همراه با کلمه الادیب می‌آورند و به «الادیب صالح الجعفری» معروف بوده است.

امکان هم دارد که مترجم با توجه به تأکید علامه نایینی بر ضرورت و اهمیت تشکیل مجلس شورا، حضور مردم در انتخاب نمایندگان مجلس و وجوب حضور

مؤلف در مقدمه کتاب در ردّ مخالفان مشروطه و شبهه‌های آنها چنین می‌نویسد: «غافل از آن‌که آفتاب را به گل اندودن محال و دهنه در پای نیل را به بیل مسدود ساختن از ابلهی است...» مترجم این تشبیه استعاری را حذف کرده و به جای آن، این بیت از شعر متنبی، شاعر نامی عرب را آورده است:

«و من البلیة عدل من لا برعوی

عن جهله و خطاب من لا یفهم»

۵. در فصل پنجم که مؤلف به بیان وظایف نمایندگان و وکلا می‌پردازد، مترجم آن قسمت را به طور آشفته و همراه با غلط‌های زیاد ترجمه کرده است.

۳. ترجمه جدید تنبیه الامة و ویژگی‌های آن

با توجه به اشتباه‌های بالا و موارد مشابه دیگر، عزم خود را جزم کرده، به ترجمه کامل کتاب تنبیه الامة پرداختیم^۱ و با وجود آن‌که ادبیات کتاب، مشکل و پیچیده بود،

الحق سزاوار و در خور است، نه تنها دهات معروفین عرب؛ بلکه تمام حیلہ‌گران عالم به قصور باع خود از این درجه‌دهی و تزویر اعتراف کنند به کار بردیم...» مترجم در ترجمه این قسمت، واژه «دهات» را که درست آن «دُهاة» می‌باشد، به معنای «روستاها» و جمع ده گرفته و آن را به «القری» ترجمه کرده است. ایشان عبارت را چنین می‌نویسد: «اهل الحیل لیس من عرب القری فقط بل من کل العالم.» حال آن‌که «دُهاة» به معنای زیرکان و حیلہ‌گران می‌باشد و از «دِهَاء» گرفته شده است که به زیرکی و حیلہ‌گری معنا می‌دهد.

۳. مترجم برخی واژه‌های فارسی را در متن ترجمه آورده است؛ مثل کلمه «زیور» که معادل آن «الحلی» می‌باشد و نیز کلمه «مستغلات» که تنها به اضافه کردن الف و لام بسنده کرده و آن را «المستغلات» آورده است؛ در حالی که باید آن را به «الاملاک و العقارات» ترجمه می‌کرد.

۴. مترجم در مواردی قسمتی از سخنان مؤلف را حذف نموده و چیزی به جای آن آورده که مؤلف اساساً آن را ننوشته و منظور نکرده است. برای مثال،

۱. شایان ذکر است که مدنی بعد از انتشار ترجمه نگارنده، آقای توفیق السیف نیز ترجمه‌ای دیگر از کتاب تنبیه الامة و تنزیه الملة منتشر نمود.

این کار سخت انجام گرفت؛ چرا که کتاب به دوره قاجاریه متعلق بوده و با نشر و ادبیات آن دوره به نگارش در آمده است. ناگفته پیداست که بارزترین ویژگی نثر آن دوران، پیچیدگی خاص آن می باشد. مؤلف کتاب از شخصیت های بارز علمی حوزه نجف و صاحب مکتب در علم اصول است که نظرها و اندیشه های اصولی ایشان تا به امروز بر مباحث اصولی رایج در حوزه های علمیه سایه افکننده است. این ویژگی، جنبه علمی و فنی کتاب را بیش از پیش پر بار ساخته و در نتیجه، کار ترجمه را دشوارتر کرده است.

۳-۱. چاپ های کتاب و نسخه مورد اعتماد در کار ترجمه

پیش از این، کتاب تنبیه الامه سه بار به زیور طبع رسیده است:

۱. چاپ بغداد در سال ۱۳۲۷ ه ق در ۹۵ صفحه در حجم رقمی.
۲. چاپ تهران در سال ۱۳۲۸ در ۹۵ صفحه در حجم رقمی که هر صفحه آن ۲۲ سطر و چاپ آن سنگی است.
۳. چاپ تهران در سال ۱۳۳۴ ه ش، مقارن با ۱۳۷۴ ه ق و ۱۹۵۴ م. این نسخه

در ۱۴۲ صفحه و با تعلیقات مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی همراه است. قابل ذکر می باشد که متن این نسخه با متن چاپ شده نسخه قبلی یکی است و هیچ تفاوتی با هم ندارند؛ بنابراین می توان گفت هر سه چاپ با هم مطابقت دارند. با این همه تلاش بر این بود که نسخه خطی کتاب را پیدا و طبق آن ترجمه کنیم؛ ولی در هیچ یک از فهرست های کتب خطی کتابخانه های تهران، مشهد و قم از آن اثری نبود. البته در فهرست کتابخانه وزیر یزد، یک نسخه خطی از کتاب به شماره ۱۲۰۲ و به خط محمد علی کمیتان وجود دارد که تاریخ استنساخ آن به سال ۱۳۳۲ ه ش برمی گردد و روشن است که این تاریخ به شانزده سال پس از وفات مؤلف برمی گردد؛ از این رو این نسخه، ارزش علمی مطلوب را ندارد. احتمالاً ناسخ آن برای تبرک یا زنده نگه داشتن نام خویش در کنار شخصیتی علمی، هم چون محقق نایینی به نوشتن این کتاب به دست خط خود اقدام کرده باشد. شایان ذکر است که سردبیر مجله «الموسم» در شماره پنجم آن به همراه انتشار ترجمه آقای الجعفری، ضمن اشاره به چاپ های

برخی اشتباه‌ها و بی‌دقتی‌ها در برخی از شواهد قرآنی و روایی که در آن آمده است شدیم. برای مثال، آیه ۱۷۹ از سوره اعراف در کتاب چنین آمده است: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَعْشُرُونَ بِهَا» و حال آن‌که در قرآن کریم، چنین آیه‌ای موجود نیست؛ بلکه به صورت «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» وجود دارد. این اشتباه در تمام چاپ‌های کتاب به چشم می‌خورد و حتی آقای الجعفری که به ترجمه این کتاب پرداخت، بدان اشاره نکرده است. مرحوم طالقانی نیز در چاپ آخر این اثر که بر آن حاشیه زده، بدان اشاره ننموده است. در این جهت اگرچه برای نویسنده محترم اثر می‌توان چنین توجیه کرد که به علت عجله‌ای که برای چاپ و نشر کتاب داشته در شواهد قرآنی و روایی دقت نکرده‌اند؛ ولی از آقای الجعفری و مرحوم طالقانی این انتظار می‌رفت که به چنین اشتباه‌هایی به ویژه درباره قرآن کریم اشاره داشته باشند.

پس بر آن شدیم تا در کنار ترجمه دقیق و کامل به تحقیق درباره آن بپردازیم؛ از این رو آقای عبدالکریم آل نجف این مهم را به

متعدد کتاب تنبیه‌الامة، به نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد اشاره کرده است که به طور قطع اصلی نیست و ارزش علمی ندارد. علاوه بر آن به نسخه کپی گرفته شده دیگری از نسخه‌ی خطی موجود در خزانه دکتر عبدالله الفیاض در بغداد اشاره داشته است که هم‌اکنون آن نسخه کپی شده در «مکتبه المجمع العلمي العراقي» به شماره هفت و با عنوان «موضوعات شتی بخط النسخ» نگه‌داری می‌شود. شماره صفحه‌های آن نسخه - طبق گفته سردبیر مجله الموسم - ۹۵ صفحه و هر صفحه آن ۲۲ سطر دارد. اوصاف نسخه یاد شده با نسخه چاپ سال ۱۳۲۸ هـ ق تهران مطابقت دارد؛ بنابراین اعتماد ما را به نسخه چاپ تهران چند برابر کرده است؛ در نتیجه ترجمه و تحقیق را براساس نسخه چاپ تهران به انجام رساندیم.

۳-۲. مستندسازی کتاب و نگارش

پیش‌درآمدی درباره حیات و اندیشه سیاسی

نایینی

در این جا لازم می‌دانیم به این نکته اشاره کنیم که هنگام مطالعه این کتاب، متوجه

اختصار توضیح می‌دهد و در پایان مقایسه‌ای تطبیقی میان کتاب تنبیه‌الامة و کتاب طبایع الاستبداد آقای عبدالرحمن الکوکی به عمل می‌آورد و به شبهه اقتباس آقای نایینی از کتاب کوکی پاسخ می‌دهد.

در پایان می‌توان گفت ترجمه این اثر گران قدر به زبان عربی گامی بود در راه زدودن بی‌مهری‌هایی که به آن روا داشته شده بود. همین جا از فرصت استفاده کرده و پیشنهاد می‌کنیم که متن فارسی کتاب تنبیه‌الامة، بار دیگر همراه با تحقیق علمی چاپ گردد تا جایگاه حقیقی خود را به عنوان میراث بزرگ تفکر اسلامی باز یابد. چرا باید این اثر مهم به عنوان سوره‌ای در دست روشنفکران غرب‌زده قرار گیرد و ادعا کنند قرائتی که این کتاب از حکومت اسلامی به دست می‌دهد با نظریه ولایت فقیه مغایرت دارد؛ در حالی که چنین ادعایی واقعیت ندارد و اساساً محقق نایینی در این اثر، ولایت فقیه را براساس دلیل حسبه اثبات می‌کند. هم چنین تذکر این نکته ضرورت دارد که باید میان رفتار

احسن وجه به انجام رسانید. محقق محترم، علاوه بر کار مستندسازی و ارجاع‌های کتاب، پیش درآمدی علمی و محققانه شامل چند بحث مقدماتی و مرتبط با موضوع نوشت و بدین طریق توانست یک نگرش کلی از این اثر و اهمیت فکری، اجتماعی و سیاسی برای خوانندگان به دست دهد. ایشان در پیش درآمد خود، نخست به تحلیل حیات سیاسی و علمی آقای نایینی می‌پردازد و نقش و فعالیت‌های ایشان را در ایران و در عراق به طور مختصر تبیین می‌نماید، سپس مختصری درباره فقه سیاسی اسلام بحث و تلاش می‌کند مقایسه‌ای تطبیقی میان مکتب تشیع و اهل سنت ارائه دهد و این نکته را یادآور می‌شود که فقه سیاسی در مکتب تشیع، سه مرحله را پشت سر گذاشت که آخرین مرحله آن به دست محقق نایینی متبلور شد به طوری که می‌توان آن را از پیشگامان فقه سیاسی اسلام در دوران معاصر نام برد. در ادامه در مورد انقلاب مشروطه، تحولات فکری و سیاسی آن و نقش محقق نایینی در آن به

سیاسی محقق نایینی و تفکر مدون وی در این اثر تفکیک کنیم. ممکن است در عملکرد سیاسی محقق نایینی اشتباه‌ها، تندروی‌ها یا کندروی‌هایی روی دهد؛ اما لزوماً به معنای تخطئه اندیشه سیاسی ایشان نمی‌باشد. این‌که جنبش مشروطه از مسیر اصلی خود منحرف شده و به دست خودبایختگان افتاد، بر مبانی سیاسی مدون در این اثر هیچ رخنه‌ای وارد نمی‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی